

## فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال هجدهم، شماره هفتاد و یکم

پاییز ۱۳۹۶

## اصحاب قمی امام هادی علیه السلام و نقش آنان در گسترش اندیشه شیعی

تاریخ تأیید: ۹۶/۸/۱۱

تاریخ دریافت: ۹۶/۶/۲۱

سید حسن قریشی کرین<sup>۱</sup>خدیجه پهلوانی<sup>۲</sup>

قم، یکی از پرسابقه‌ترین مراکز شیعه‌نشین در ایران است. مرکزیت قم برای شیعه، زمینه‌ساز سفر علمای بزرگ شیعی به قصد فراگیری علوم اهل بیت علیه السلام و شنیدن احادیث آنان از طریق محاذات قم شد. این شهر به علت قرارگرفتن در کانون تشیع، ارتباط با علویان و گروه‌ها و مناطق مختلف شیعی، با داشتن مرقد منور حضرت مقصوم علیه السلام و تأسیس مکتب حدیثی، از شهرهای پیشتاز در بسط اندیشه امامیه بود.

این پژوهش، با استفاده از روش تاریخی به شیوه توصیفی - تحلیلی، ضمن بررسی جایگاه قم در رشد و توسعه دستاوردهای حدیثی و مبانی اعتقادی شیعه، به تبیین زندگی، نقش و عملکرد اصحاب قمی امام هادی علیه السلام پرداخته است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که ابراهیم بن هاشم قمی، احمد بن اسحاق قمی، احمد بن حمزه قمی، احمد بن محمد اشعری، عبدالله بن جعفر حمیری قمی، حسن بن خرزاد قمی و محمد بن احمد قمی، از مشهورترین اصحاب قمی امام

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور، رایانامه: shquorishi@gmail.com

۲. کارشناس ارشد تاریخ تشیع دانشگاه پیام نور، رایانامه: kh.p2850@gmail.com

هادی علیه السلام می‌باشند که با نگارش آثار علمی و اعتقادی و طرح مباحث حادیثی و کلامی، توanstند در انتقال فرهنگ و اندیشه شیعی به دیگر مناطق و جلوگیری از غلو و آرای واقفیه و نیز شکل‌گیری تشکیلات تقابت سادات، مساجد جدید و مکتب حدیثی قم، نقش مهمی ایفا کنند.

**کلیدوازگان:** امام هادی علیه السلام، حضرت معصومه علیها السلام، اصحاب ایرانی ائمه علیهم السلام، تاریخ تشیع.

#### مقدمه

پس ورود اسلام به ایران، قم بعد از کوفه، یکی از پایگاه‌های تشیع محسوب گشت که از این پایگاه، تشیع به دیگر مناطق گسترش یافت. در اوخر قرن اوّل هجری، با مهاجرت اعراب مسلمان، مانند: آل ابی دلف، آل عجل، عرب بنی اسد و اعراب اشعری به قم و سکونت در حومه و مرکز شهر، پس از مدتی کشمکش، مردم قم مذهب شیعه را پذیرفتند و اشعریان با سلطه بر منافع اقتصادی قم، حیات سیاسی این شهر را به تدریج به دست گرفتند و نوعی شبه حکومت قبیله‌ای یا شبهدولت شهر در قم دائم کردند و با ایجاد ارتباط با خلیفه عباسی، هارون الرشید، سلطه اداری و تشکیلاتی را نیز در قم به دست آوردند. به دنبال سلطه اداری و اقتصادی و سیاسی اعراب اشعری، نوعی تشیع امامی - سیاسی در قم ایجاد شد. قبایل اشعری برای اعلام حاکمیت و موجودیت رسمی خود، نوعی تشکیلات ساده اداری و حتی پرچم داشتند.<sup>۱</sup> آنان به تأسیس حوزه علمیه قم، تربیت نخبگان مذهبی، سیاسی و اجتماعی، پدیدآوری آثار مكتوب و تبلیغ و نشر تشیع همت گماشتند. پس از ورود حضرت معصومه علیها السلام و مهاجرت انبوه شیعه امامی به قم، تشیع قم از مرحله سیاسی به مرحله عقیدتی راه پیداکرد. شیعه امامی و علمای پیرو آن، تا نیمه قرن سوم همچنان

۱. حسن بن محمد قمی، تاریخ قم، ص ۲۸۲

به عنوان یکی از مذاهب حاکم در قم که پیروان بسیاری در خارج از قم داشت، زندگی می‌کردند. در زمان امام هادی علیه السلام، قم، یکی از مهم‌ترین مراکز تجمع شیعیان ایران در کنار مناطقی چون: ری، آوه، کاشان، طبرستان و خراسان بود و روابط محکمی میان شیعیان این شهر و ائمه علیهم السلام وجود داشت. قم با داشتن صحابی امامان، به مرجعی برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های دینی معرفی می‌شدند<sup>۱</sup> و دیگر صحابی یا محدثان برای اطمینان بیشتر، آثار نوشته شده در زمینه روایی را به قم ارجاع می‌دادند.<sup>۲</sup> این شهر به علت گرایش به اعتدال و دوری گزیدن از غلو، مورد توجه امامان شیعه بود و یاران قمی در مبارزه با گرایش‌های انحرافی (فطحی، زیدی و واقفی) و غلوامیز با نوشتن آثاری در زمینه فضایل امیر مؤمنان علیهم السلام نقش داشتند.<sup>۳</sup> البته قم زمینه غلو را از بین برد و امام هادی علیه السلام با غالیان سخت برخورد کرد و آنان را طرد و لعن نمود.<sup>۴</sup>

بر اساس منابع رجالی، به ویژه شیخ طوسی (۳۸۵-۴۶۰ق)، یاران ایرانی امام هادی علیه السلام را بالغ بر ۱۸۵ نفر ذکر کرده‌اند که برخی از آنان، قمی بودند.<sup>۵</sup> تعیین دقیق اصحاب قمی،

۱. روزی وقتی زکریابن آدم قمی قصد ترک همیشگی شهر قم را داشت، امام رضا علیه السلام از او خواست که چنین نکند. این امر، شاهدی است بر عنایت امام هشتم علیه السلام به مرجعیت یافتن زکریا در میان شیعیان قم و مناطق مجاورش، و شاید بتوان آن را جوانه نخستین حوزه علمیه شیعه دانست. (کشی، اختیار معرفة الرجال، ص ۴۹۶؛ محمد‌هادی خالقی، «نخستین حوزه غنی و مستقل شیعه»، روزنامه اطلاعات، ۱۳۷۱/۱۱/۲۴)

۲. به عنوان نمونه، حسین بن روح نوبختی، صحابی امام عسکری علیه السلام، بزرگ شیعیان بغداد و نایب سوم امام زمان علیه السلام، کتاب التأذیب را به همراه نامه‌ای به قم فرستاد تا فقیهان این شهر درباره مطالب آن بر مذهب اهل بیت علیهم السلام نظر دهند. (محمدبن حسن طوسی، الغیبة، ص ۳۹۰)

۳. نجاشی، رجال، ص ۱۸۳؛ طوسی، الفهرست، ص ۸۹

۴. امام بدعت‌گذاران قمی، مانند علی بن حسکه قمی و ابن‌بابای قمی را لعنت و طرد نمود. (کشی، رجال کشی، ص ۵۱۸، ش ۹۹۶؛ همان، ص ۵۲۰، ش ۹۹۹)

۵. ر.ک: شیخ طوسی، رجال الطوسی.

به علت انتساب آنان به برخی قبایل عرب و یا مناطق دیگر جهان اسلام، کار دشواری است؛ ولی با مراجعه به کتب رجالی و منابع تحقیقاتی، تعداد یاران قمی امام هادی علیه السلام را ۱۱، ۱۲، ۱۹<sup>۳</sup> و ۲۰<sup>۴</sup> نفر نوشته‌اند و بیشتر آنان، اشعریانی بودند که به علت سکونت طولانی در قم، به قمی مشهور شدند. اصحاب قمی امام هادی علیه السلام مانند ابراهیم بن هاشم کوفی و فرزندش علی، در نشر احادیث کوفیان و انتقال میراث علمی آنان در قم نقش داشتند<sup>۵</sup> و اموال، شامل: خمس، نذور، هدايا و جواهرات و اخباری درباره وضعیت آن سامان را به امام می‌رسانیدند.<sup>۶</sup>

بررسی زیستنامه، اقدام‌ها و عملکرد صحابی قمی امام هادی علیه السلام و نقش آنان در توسعه تشیع، از مهم‌ترین مسئله این تحقیق می‌باشد. پرسش این است که آنان با توجه به شرایط سیاسی و اجتماعی دوره امام هادی علیه السلام (۲۵۴-۲۱۲ق)، از چه شیوه‌ای برای تبلیغ تشیع بهره بردند؟ و چه نقشی در توسعه اندیشه شیعی داشتند؟ فرضیه تحقیق نشان می‌دهد اصحاب قمی امام با تبیین اندیشه شیعی و انتقال آن به نسل پس از خود و دیگر مناطق جهان اسلام و نیز با تألیف کتب حدیثی، اعتقادی و کلامی، در گسترش اندیشه شیعی نقش داشتند.

۱. عزیزالله عطاردی، *مسند الإمام هادی* علیه السلام، ص ۳۰۹ - ۳۷۷.

۲. ر.ک: *اللجنة العلمية في مؤسسة ولی العصر، موسوعة الإمام الهاudi* علیه السلام.

۳. باقر شریف قرشی، *تحلیلی از زندگانی امام هادی* علیه السلام، ص ۲۵۲ - ۲۱۷.

۴. عبدالحسین شبستری، *النور الهاudi الى اصحاب الامام الهاudi* علیه السلام، ص ۲۱ - ۳۰۰.  
۵. نجاشی، رجال، ش ۱۸.

۶. علی بن مهزیار از احمدبن حمزه نقل می‌کند: به حضرت امام هادی علیه السلام گفت: در شهر ما چه بسا افرادی اموالی برای آل محمد علیهم السلام وصیت می‌کنند و آن اموال را نزد من می‌آورند. من دوست دارم آن اموال را با اذن شما، به خدمت شما بیاورم. امام فرمود: نزد من نیاور و خود را در معرض خطر دشمنان قرار مده.

(شیخ طوسی، *تهذیب الأحكام*، ج ۷، ص ۵۸، ح ۳)

در زمینه مورد بحث، پژوهش مستقلی نوشته نشده است؛ به جز منابع رجالی شیعه و کتاب تاریخ قم نوشته حسن بن محمد بن حسن قمی (نوشته در ۳۷۸ق)؛ هرچند اشارات و تحلیل‌های بسیار مفیدی در برخی منابع عرضه شده است؛ همچون: تاریخ مذهبی قم از علی اصغر فقیهی، و قم‌نامه از سید حسین مدرسی طباطبائی، گنجینه آثار قم از عباس فیض، مستند الامام هادی عزیز الله عطاردی، النور الهاudi إلى أصحاب الإمام الهاudi اثر عبدالحسین الشبستری، زندگانی امام هادی علیه السلام نوشته باقر شریف قرشی، مکتب حدیثی قم از محمد رضا جباری و چند مقاله در مورد خاندان اشعری با عنوان «شجره علمی خاندان اشعری قم»<sup>۱</sup> و «رجال الأشعرین من المحدثین وأصحاب الأئمة علیهم السلام».<sup>۲</sup>

### قم پایگاه تشیع و جایگاه شیعیان

انتقال امام هادی و عسکری علیهم السلام به سامرا و سپس انتقال مرکز استقرار نواب ناحیه مقدسه به بغداد، موجب شد که بغداد به محل تجمع و ارتباطات شیعیان و نیز مرکزی برای نقل و سماع احادیث اهل بیت علیهم السلام تبدیل شود و محله‌های مخصوص شیعه‌نشین در بغداد، کانون عرضه نقل حدیث گردید. همراه با فعالیت مراکز حدیثی در بغداد، دو مرکز مهم شیعه‌نشین قم و ری در ایران پدید آمد و به تدریج جای خود را به عنوان مهم‌ترین مراکز حدیثی شیعی در قرن دوم به بعد، در میان محدثان شیعی باز کرد. در قرن دوم و سوم، کثرت ارتباطات شیعیان قم با ائمه اهل بیت علیهم السلام سبب گردید تا جایگاه قم به عنوان پایگاه تشیع مورد توجه قرار گیرد و وجود شرایط خاص حاکم بر قم، موجب شکل‌گیری نوعی حدیث‌گرایی یا اخباری‌گری در این حوزه حدیثی در مقابل مردم بغداد شد.<sup>۳</sup>

۱. محمد حاج تقی، «شجره‌های علمی خاندان اشعری قم»، مجله علوم حدیث، ش ۵، ص ۲۰۵ – ۲۳۴.

۲. ر.ک: شیخ جعفر مهاجر، رجال الأشعرین من المحدثین وأصحاب الأئمة.

۳. آندروجی نیومن، دوره شکل‌گیری تشیع دوازده امامی؛ گفتمان حدیثی میان قم و بغداد، ص ۷۷.

مهم‌ترین منابع در مورد موضوع مورد تحقیق، نوشهٔ آندره نیومن است که در آن، به حدیث‌گرایودن مردم قم اشاره شده است.

هجرت حضرت مقصومه علیه السلام، زمینهٔ مهاجرت علویان و بعضی از اصحاب امامان را به قم فراهم نمود. یکی از ساداتی که به قم آمد، محمد، پسر موسی مُبرّق، نوه امام جواد علیه السلام و جد سادات رضوی قم است که به سال ۲۵۶ هجری با خواهرانش به قم هجرت کرد.<sup>۱</sup> کثرت مقابر و مزارات امامزادگان در قم و حوالی آن، نشان از ارجحیت قم توسط سادات نسبت به دیگر مناطق است. یکی از عوامل گسترش و تعمیق تشیع در ایران و بهویژه قم، شاگردان و اصحاب ائمه بزرگوار علیه السلام و عالمان تربیت‌یافته در این مکتب بوده‌اند. در کتب رجالی شیعه امامی، از تعدادی اعراب اشعری با عنوان صحابی ائمه شیعه امامی یاد شده است. این گروه، نقش اساسی در گسترش مبانی تشیع در قم ایفا کردند. آنان در سال ۸۲ ق به قم آمدند.<sup>۲</sup> ارتباط مردم نیز با یاران ائمه و خود امامان شیعه علیه السلام قابل توجه بود. آنها اوّلین کسانی بوده‌اند که برای ائمه علیه السلام خمس می‌فرستادند. از مجموع ۱۴۷ صحابی قمی و ۶۲ صحابی قمی تقدیم شناسایی شده، ۵۷ تن اشعری اند که بیش از نیمی از آنان، «ثقة» شمرده می‌شوند. <sup>۳</sup> ۹۰ صحابی دیگر، مربوط به بقیه خاندان‌های قم می‌باشد.<sup>۴</sup> اصحاب قمی امام هادی علیه السلام نقش ارزشمندی در تاریخ تشیع داشتند؛ زیرا با حفظ دستاوردهای شیعیان، مکتب حدیثی قم را احیا و سازمان‌دهی کردند.

۱. ابن طباطبا، منتقلة الطالبة، ص ۲۵۳؛ حسن بن محمد قمی، تاریخ قم، ص ۲۱۲ - ۲۱۳.

۲. حسن بن محمد قمی، تاریخ قم، ص ۲۴۲.

۳. محمد حاجی تقی، «شجره علمی خاندان اشعری قم»، علوم حدیث، ش ۵، ص ۲۳۱؛ همو، «سیر تاریخ فقهاء و محدثان قمی (۱)»، نامه قم، ش ۱ و ۲، ص ۹۹.

## مهم‌ترین اصحاب قمی امام هادی علیه السلام

در اینجا، به معرفی مهم‌ترین اصحاب قمی امام هادی علیه السلام می‌پردازیم.

### • ابراهیم بن هاشم قمی (م حدود سال ۲۶۰ق)

ابراهیم بن هاشم قمی، مشهور به ابواسحاق، از علماء و محدثان شیعه در اواخر قرن دوم هجری و از محدثان و عالمان شناخته‌شده شیعه است.<sup>۱</sup> تاریخ ولادت ابراهیم در کتب رجالی و تاریخی، به طور دقیق مشخص نیست. برخی ولادت او را در اواخر قرن دوم هجری، در ایام ولادت امام کاظم علیه السلام و در شهر کوفه دانسته‌اند.<sup>۲</sup>

### نقش و فعالیت علمی

ابراهیم بن هاشم قمی، از مشهورترین روایان شیعی است که از امام صادق علیه السلام تا امام حسن عسکری علیه السلام روایت نقل کرده است و نقش مهمی در ضبط و ثبت روایات ائمه معصوم علیهم السلام دارد. وی از جمله روایانی است که در روایتش از ائمه علیهم السلام پراکندگی نظر فراوانی وجود دارد. در منابع حدیثی شیعه، روایتی از امام کاظم علیه السلام<sup>۳</sup> و امام رضا علیه السلام<sup>۴</sup> توسط او نقل شده است. برخی او را شاگرد یونس بن عبدالرحمن (م ۲۰۸ق)<sup>۵</sup> از اصحاب ممتاز امام رضا و امام جواد علیهم السلام و از مشايخ حدیث می‌دانند.<sup>۶</sup> بسیاری از محدثان بزرگ، به شفه‌بودن ابراهیم بن هاشم تأکید دارند؛ چنان که محقق اردبیلی (م ۹۹۳ق)، بحرانی (م ۱۱۸۶ق) و

۱. نجاشی، رجال نجاشی، ص ۱۶؛ سید محمدعلی موحد ابطحی، تهذیب المقال فی تنقیح کتاب الرجال، ص ۲۷۵.

۲. سید محمدعلی موحد ابطحی، تهذیب المقال فی تنقیح کتاب الرجال، همان.

۳. ر.ک: حسین بروجردی، بهجة الآمال فی شرح زبدة المقال، ج ۱.

۴. محمدتقی شوستری، قاموس الرجال، ج ۱، ص ۳۲۴.

۵. عبدالله مامقانی، تنقیح المقال، ج ۳، ص ۳۳۹.

۶. همان، ج ۱، ص ۴۰.

بحرالعلوم (م ۱۲۱۲ق)، او را از زمره موثقان دانسته‌اند.<sup>۱</sup> شیخ بهایی (م ۱۰۳۱ق) و پدر بزرگوارش (م ۹۸۴ق)، حدیث او را صحیح می‌دانند.<sup>۲</sup>

مهمنترین عملکردهای ابراهیم بن‌هاشم عبارت‌اند از:

### ۱. برقراری ارتباط بین حوزه‌های قم و کوفه

ابراهیم بن‌هاشم قمی، نقش مهمی در ارتباط و اتصال حوزه‌های علمیه قم و کوفه داشته است.<sup>۳</sup> کشی (م حدود ۳۴۰ق)، نجاشی (م ۴۵۰ق) و شیخ طوسی (م ۴۶۰ق) در کتب رجالی خود، وی را این‌گونه توصیف کرده‌اند:

او، اوّلین کسی است که حدیث کوفیان را در قم منتشر کرد.<sup>۴</sup>

وی پس از فراگیری علوم و کسب احادیث از مشایخ حدیثی، به قصد انتشار اخبار اهل بیت علیهم السلام در قم، از کوفه به این شهر مهاجرت کرد و به ترویج مکتب حدیثی خویش (کوفه) در قم همت گماشت. محمدباقر بهبودی در این باره می‌گوید:

او رشته‌های مختلف حدیث را از اینجا و آنجا تحصیل کرد و سپس به قم آمد، تا که قم را از حدیث اهل بیت علیهم السلام غنی سازد. او بعد از تحصیل حدیث از کوفیانی چون این محبوب (م ۲۲۴ق) به بغداد رفت و حدیث بغدادیان را از هر کسی که در آنجا صاحب کتاب و دانشی بود، فرآگرفت و از مشایخ شام، عراق، کاشان، اصفهان، اهواز، ری، نیشابور، همدان، کرمان و... هرجا که بود، بهره‌ها گرفت.<sup>۵</sup>

۱. بحرالعلوم، رجال السید بحرالعلوم، ج ۱، ص ۴۵۳ و ۴۶۲.

۲. عبدالله مامقانی، تنقیح المقال، ج ۱، ص ۴۰.

۳. سید محمدعلی موحد ابطحی، تهذیب المقال فی تنقیح كتاب الرجال، ص ۲۷۵.

۴. نجاشی، رجال، ش ۱۸.

۵. محمدباقر بهبودی، علم رجال و مستله توثیق، ص ۲۸.

## ۲. ترویج تعالیم اهل بیت علیهم السلام

ابراهیم بن هاشم قمی، در راه ترویج تعالیم اهل بیت علیهم السلام از الامقاماترین روات و دارای منزلتی عظیم در میان محدثان است. وی پرچمدار نهضت حدیثی در میان روایان و محدثان حوزه درسی قم است و در میان روات، دارای بیشترین و متنوعترین روایات در ابواب فقهی و اخلاقی است<sup>۱</sup> و کمتر بابی است که از روایات او تهی باشد.<sup>۲</sup> آیت الله خویی، روایات او را افزون بر ۶۴ حدیث، و اساتید و مشايخ او را بیش از ۱۶۰ نفر ذکر نموده است.<sup>۳</sup> بحرالعلوم، وی را با عباراتی چون: کثیر الروایه،<sup>۴</sup> واسع الروایه<sup>۵</sup> و مقبول الحدیث<sup>۶</sup> می‌ستاید.<sup>۷</sup>

### ۳. تأسیس مکتب حدیثی

ابراهیم بن هاشم، یکی از پرورش‌یافتنگان مکتب حدیثی عراق است که برای نشر احادیث کوفیان در قم، تلاش بسیاری نمود و او را می‌توان از بنیان‌گذاران مکتب حدیثی جدید در قم دانست. سابقه حدیثی قم، به نیمه اول قرن دوم هجری باز می‌گردد. از او ایل قرن سوم به بعد، از نظر شیوه برداشت از احادیث و نیز ورود غلات در کوفه، منازعه‌ها و اختلاف‌های علمی بین قم و کوفه روی داد و حوزه قم برای مصون‌ماندن از آسیب‌های این جریان، به سخت‌گیری در معیارهای پذیرش روایات و اصول جرح و تعديل روی آورد

۱. ابوالقاسم خویی، معجم رجال‌الحدیث، ج ۱، ص ۳۱۲ – ۳۱۸.

۲. بحرالعلوم، رجال‌السید بحرالعلوم، ج ۱، ص ۴۳۹.

۳. همان، ص ۳۱۷.

۴. به کسی که از ائمه معصومین علیهم السلام زیاد روایت نقل کرده و در روایت ثقه و عadel است کثیر الروایه می‌گویند. جدیدی نژاد، معجم مصطلحات الرجال و الدرایه، ص ۱۲۹.

۵. در نقل روایت، به کسی که احادیث نقل شده از او دارای اعتبار و حسن بوده و دارای اعتبار می‌باشد واسع‌الروایه یا طریق‌الروایه می‌گویند. همان، ص ۱۸۵.

۶. کسی که در روایت احادیث ائمه علیهم السلام شرایط عدالت، وثاقت و صداقت را دارا باشد، مقبول‌الحدیث می‌گویند. همان، ص ۱۷۰.

۷. بحرالعلوم، رجال‌السید بحرالعلوم، ج ۱، ص ۴۳۹.

و حتی مشایخ قم، برخی افراد را به اتهام غلو، از قم بیرون راندند. در این میان، فعالیت و تلاش ابراهیم بن هاشم، به عنوان یکی از پرورش یافتنگان مکتب حدیثی عراق برای نشر احادیث کوفیان در قم، اهمیتی بسزا می‌یابد و می‌توان او را بنیان‌گذار مکتب حدیثی جدید در قم دانست.

#### ۴. تأثیف کتاب

بر مبنای آثار علمای رجال از ابراهیم بن هاشم، دو کتاب تفصایا /امیر المؤمنین ع و النواصر نام برده شده<sup>۱</sup> که هر دو اثر، به جهت حوادث روزگار از بین رفته و به دست ما نرسیده است.<sup>۲</sup> او احادیثی از امام هادی ع درباره تفسیر و ایمان و نذور نقل کرده است.<sup>۳</sup> تاریخ وفات ابراهیم بن هاشم، به طور دقیق مشخص نیست؛ چون وی از امام جواد ع، امام هادی ع و امام حسن عسکری ع روایت دارد<sup>۴</sup> و از شاگردان آنان محسوب می‌شود. وفات او را حدود سال ۲۶۰ ق اواخر نیمه اول و اوایل نیمه دوم قرن سوم دانسته‌اند و محل مدفن وی نیز شهر قم می‌باشد. امروزه نشانی از قبر او موجود نیست.<sup>۵</sup>

#### • احمد بن اسحاق قمی (م ۲۶۰ ق)

ابوعلی احمد بن اسحاق قمی، فقیه، محدث و از اصحاب امام جواد و امام هادی ع و وکیل امام حسن عسکری ع در اموال موقوفه قم و یکی از دیدارکنندگان با امام

۱. ابوالفرج محمد بن اسحاق (ابن نديم)، *المهرست*، ص ۲۷۷؛ احمد بن حجر عسقلانی، *لسان المیزان*، ج ۱، ص ۳۶۷، ش ۱۱۸.

۲. بحر العلوم، رجال السید بحر العلوم، ج ۱، ص ۴۳۹؛ موحد ابطحی، *تهذیب المقال فی تنقیح کتاب الرجال*، ج ۱، ص ۴۴.

۳. عزیزالله عطاردی، *مسند الإمام الهادی ع*، ص ۳۱۲.

۴. عبدالله مامقانی، *تنقیح المقال فی علم الرجال*، ج ۱، ص ۲۷۶.

۵. مجید عارف، پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه، ص ۳۳۱.

۶. نجاشی، رجال، ص ۹۱، ش ۲۲۵؛ اللجنة العلمية فی مؤسسه ولی العصر، *موسوعة الإمام الهادی ع*، ج ۴، ص ۴۱.

عصر علیهم السلام<sup>۱</sup>، در حدود ۱۹۰ق در قم چشم به جهان گشود. وی مدتی پس از وفات امام حسن عسکری علیهم السلام زنده بوده و دوران کهولت و پیری اش را می‌گذراند. در گزارشی از حسین بن روح قمی – که در رجال کشی آمده است – می‌خوانیم:

وی پس از وفات حضرت عسکری علیهم السلام، نامه‌ای به امام عصر علیهم السلام نوشته و اجازه خواست تا به حج سفر کند. حضرت نیز ضمن اجازه، پارچه‌ای برای او فرستاد. وی با دیدن پارچه، گفت: امام [یا این کار،] خبر وفات مرا داده است. وی هنگام بازگشت از حج در «حلوان» (واقع در سرپل ذهاب، از توابع استان کرمانشاه) درگذشت.<sup>۲</sup>

اکنون، قبر او در سرپل ذهاب پابرجاست.<sup>۳</sup>

احمد بن اسحاق در یک خانواده مذهبی و علمی در قم پرورش یافت و چون پدرش، اسحاق بن عبدالله قمی، اهل دانش و از اصحاب امام کاظم علیهم السلام بود، او را از محدثان این دوره و از اصحاب آن امام علیهم السلام به شمار آورده‌اند. او ناظر اوقاف در قم بود.<sup>۴</sup> احمد بن اسحاق در عصر امام هادی علیهم السلام که دوران میان‌سالی خود را سپری می‌کرد، مسافرت‌هایی به بغداد، کوفه و سامرا داشت و چندین نوبت نیز خدمت امام هادی علیهم السلام شرفیاب شد و پرسش‌هایی را که از آن امام می‌نمود، در کتابی گردآوری کرد. وی طی مسافرت‌هایش به عراق، با استادان متعددی ملاقات داشت و از آنها حدیث شنید.<sup>۵</sup> امام علیهم السلام به ثقه‌بودن او تأکید داشت.<sup>۶</sup>

۱. محمد باقر مجلسی، *بحار الأنوار*، ج ۵۲، ص ۲۳.

۲. محمد بن عمر کشی، *اختیار معرفة الرجال*، ص ۵۵۷، ح ۱۰۵۲.

۳. شیخ جعفر مهاجر، *رجال الأشعریین من المحدثین وأصحاب الائمة*، ص ۲۱.

۴. همان، ص ۳۰.

۵. کشی، *اختیار معرفة الرجال*، ص ۷۳، ش ۱۷۴؛ طوسی، *رجال*، ص ۳۷۳، ش ۵۵۲۶؛ همان، ص ۲۸۳، ش ۵۶۴۳؛ همان، ص ۳۹۷، ش ۵۸۱۷.

۶. کشی، *اختیار معرفة الرجال*، ص ۵۵۷، ح ۱۰۵۳.

احمدبن اسحاق در عصر امام حسن عسکری ع به عنوان وکیل آن امام در قم، مشغول خدمت بود و خانه‌اش در قم محل رجوع علماء، فقهاء و مردم عادی بود. به همین دلیل، نجاشی او را «وافد القمیین» معرفی کرده است.<sup>۱</sup> گفته می‌شود: وی به دستور امام حسن عسکری ع مسجد بزرگی در قم بنا کرد که امروزه پایبر جاست و به نام «مسجد امام» شهرت یافته است.<sup>۲</sup> به نظر می‌رسد که با تأسیس مساجد بزرگ یا جامع در این شهر، محدثان قم، مکتب حدیثی خاص خود را در این قرن سامان داده‌اند و طبعاً مجالس قرائت و سماع و املای حدیث نیز داشته‌اند که شناخته‌شده‌ترین محل برای برگزاری چنین محاضری، در آن روزگار، مساجد بوده است.

احمدبن اسحاق در قم شاگردان متعددی تربیت کرد که مشهورترین آنها: سعدبن عبدالله اشعری (م ۲۹۹ق)، عبداللهبن جعفر حمیری (م بعد ۳۹۷ق)، محمدبن حسن صفار قمی (م ۴۹۰ق) و علیبن ابراهیم قمی (م حدود ۲۷۵ق) بوده‌اند.<sup>۳</sup> از تأییفات او، کتاب‌های: علل الصوم،<sup>۴</sup> علل الصلوة و مسائل الرجال (پرسش‌هایی از امام هادی ع درباره حال راویان) معرفی شده‌اند<sup>۵</sup> که از وی باقی مانده است.<sup>۶</sup>

• احمدبن حمزہ بن یسع بن عبدالله اشعری قمی (م نیمه دوم سده سوم هجری) وی در اواخر سده دوم هجری در شهر قم به دنیا آمد و در شمار یاران امام هادی ع بوده است.<sup>۷</sup> او وکیل امام هادی ع در شهر قم بوده و وجودهای شرعیه را به امام می‌رسانده

۱. نجاشی، رجال، ص ۹۱ و ۱۰۱.

۲. عباس فیض، گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۶۷۴؛ محمدتقی ییک ارباب، تاریخ دارالایمان قم، ص ۵۲.

۳. شیخ جعفر مهاجر، رجال الأشعرین من المحدثین وأصحاب الأئمة، ص ۳۳.

۴. عطاردی، مسنند الإمام الهادی ع، ص ۳۲۰.

۵. نجاشی، رجال، ص ۹۱.

۶. شریف قرشی، تحلیلی از زندگانی امام هادی ع، ص ۲۵۷؛ به نقل از: طوسی، الفهرست.

۷. برقی، الرجال، ص ۵۹؛ اللجنة العلمية فی مؤسسة ولی العصر، موسوعة الإمام الهادی ع، ص ۴۵؛ شریف

قرشی، تحلیلی از زندگانی امام هادی ع، ص ۲۵۸.

است و امام علیهم السلام او را در ردیف بزرگانی همچون احمد بن اسحاق قمی، برجسته‌ترین روایتگر شیعه، قرار داده است.<sup>۱</sup> او چند بار موفق به ملاقات با امام هادی علیهم السلام می‌شود و از محضر آن حضرت، بهره گرفته، بسیاری از مشکلات علمی و مسائل شرعی خویش را بدین گونه حل نموده است.<sup>۲</sup> بیشتر رجال شناسان، احمد بن حمزه را به عنوان محدثی مورد اعتماد و موجه یاد کرده‌اند. نجاشی می‌نویسد:

احمد بن حمزه، چهره‌ای بسیار بسیار موجه و بلند مرتبه است.<sup>۳</sup>

علامه حلی او را چهره برجسته بر می‌شمرد و شیخ طوسی یادآوری می‌کند که احمد بن حمزه بن پیسع قمی، مورد اعتماد و ثقه است.<sup>۴</sup> تنها کتاب وی که منابع رجالی آن را متذکر شده‌اند، *النواذر* است. نجاشی در آثار خود، از این کتاب نام برده است.<sup>۵</sup> احمد بن حمزه، محدث مورد قبول علمای شیعه و مورد عنایت و تأیید حضرت امام زمان علیهم السلام بوده است.<sup>۶</sup> در مورد تاریخ وفات و محل دفن او، اطلاع دقیقی در دست نیست؛ اما با توجه به منابع، او در نیمه دوم سده سوم هجری رحلت کرد و احتمالاً مانند دهها و صدها محدث قمی، در این شهر آرمیده باشد.

#### • احمد بن محمد بن عیسی اشعری قمی (م ۲۸۰ق)

از شاگردان امام جواد و هادی علیهم السلام و از بزرگان اهل قم بود که شیخ طوسی از او با عنوان «بزرگ قمی‌ها و چهره درخشان و فقیه آنان» یاد کرده است.<sup>۷</sup> نجاشی او را «شیخ

۱. صدوق، کتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۲۳۹.

۲. طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۹، ص ۸۰ ح ۳۳.

۳. نجاشی، رجال، ص ۶۶.

۴. طوسی، رجال، ص ۳۸۳.

۵. نجاشی، رجال، ص ۶۶.

۶. شبستری، النور الہادی إلی أصحاب الإمام الہادی علیهم السلام، ص ۴۱؛ طوسی، رجال، ص ۴۰۹.

۷. طوسی، الفهرست، ص ۲۵.

القمین» و «وجه الأشعاره» خوانده است.<sup>۱</sup> احمدبن محمد به علت اقامت طولانی در قم، تنها گهگاهی با امام جواد و هادی ع ملاقات داشته و بدین جهت، احادیث چندانی از آنان روایت نکرده است.<sup>۲</sup> احمدبن محمد با حاکم قم در ارتباط بوده و این امر، نشان از مرتبه وی میان اهل قم دارد.<sup>۳</sup>

### عملکرد و اقدامات

#### ۱. مبارزه با غلو و غالیان

احمدبن محمد، در عقاید بسیار سخت‌گیر بود و با غالیان بهشت برخورد می‌کرد. نقل شده که وی، حتی احمدبن محمد برقی (م ۲۷۴ یا ۲۸۰ ق)، محدث مشهور امامی را به سبب روایاتی که نقل می‌کرد، از قم بیرون رانده بود؛ اما پس از مدتی، او را به قم بازگرداند و از وی عذرخواهی کرد.<sup>۴</sup> علی بن حسکه و قاسم یقطینی (ح نیمه اول قرن سوم)، سردمداران اصلی غلو در زمان احمد بودند. احمد در نامه‌ای به ائمه عصر خود، بهویژه امام حسن عسکری ع، عقاید غالیان را برای آنان فرستاد. وقتی امام حسن عسکری ع نامه احمد را دریافت کرد، چنین پاسخ داد:

این، دین ما نیست. از این سخنان، دوری بجوى.<sup>۵</sup>

#### ۲. مبارزه با جریان واقفیه

احمدبن محمد با ارسال نامه برای ائمه بعد از امام کاظم ع (امام رضا، امام جواد و امام هادی ع) و پرسیدن مسائل فقهی و غیر فقهی و ارجاع مردم به آنها، خط بطلانی بر مذهب واقفی‌ها کشید.<sup>۶</sup>

۱. نجاشی، رجال، ص ۳۳۸.

۲. همان.

۳. همان؛ شریف قرشی، تحلیلی از زندگانی امام هادی ع، ص ۲۵۹.

۴. ابن غضائی، کتاب الضعفاء، ص ۱۲.

۵. کشی، اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۸۰۲ و ۸۰۳.

۶. ر.ک: کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۲۲۰، ح ۲۰؛ شیخ طوسی، تهذیب الأحكام، ج ۹، ص ۳۲، ح ۱۰۲.

### ۳. نقل حدیث

احمد از طریق مشایخ خود و برخی دیگر، راوی بسیاری از احادیث امامیه است و نام مشایخ او، مانند احمد بن محمد بن عمرو بن ابی نصر بزنطی (م ۲۲۱ ق)، حسن بن سعید بن حماد اهوازی (م ۲۲۰ ق)، حسین بن سعید اهوازی (م ۲۵۴ ق)، حسن بن علی بن فضال کوفی (م ۲۲۴ ق)، صفوان بن یحیی بجلی (م ۲۱۰ ق) و عثمان بن عیسی عامری (م حدود ۲۰۳ ق)، در رجال نجاشی و الفهرست طوسی به عنوان حلقه اتصالی میان احمد و مشایخ قدیم‌تر امامیه آمده است. در روایتِ حدیث، به گونه‌ای زبانزد بود که برخی علمای اهل سنت از نقش او یاد کردند. مؤلف لسان المیزان او را «شیخ الرافضة بقم» خوانده است.<sup>۱</sup> احمد سعی داشت که احادیث ثقه و صحیح را رواج دهد و از نشر احادیث ضعیف ممانعت می‌کرد. وقتی تشخیص داد احمد بن محمد بن خالد در نقل حدیث سهل‌انگار است و به روایات مرسل و ضعیف اعتماد می‌کند، او را از قم بیرون کرد و آنگاه که متوجه شد در روش خود اشتباه کرده یا مبانی علمی وی تغییر کرده، به دنبال وی رفت و با عظمت تمام او را به قم بازگرداند و زمانی که بر قی از دنیا رفت، برای جبران اشتباه خود، با سروپایی بر هنره در تشییع جنازه او شرکت کرد.<sup>۲</sup> روایاتی که احمد بدون واسطه از امامان معصوم علیهم السلام نقل کرده، بسیار اندک است؛ اما روایت نقل شده از طریق راویان دیگر، زیاد بوده است. مجموع احادیث احمد با واسطه و مستقیم، تا ۲۲۹۰ حدیث می‌رسد.<sup>۳</sup>

### ۴. رهبری شیعیان قم

احمد بن محمد، رهبری شیعیان قم را بر عهده داشت. قدرت مذهبی و اجتماعی وی، بدان حد رسید که وقتی بر اساس وظیفه شرعی، برخی غالیان و مخالفان تشییع را از قم

۱. ابن حجر عسقلانی، احمد، لسان المیزان، ج ۱، ص ۲۶۰.

۲. اردبیلی، جامع الرواۃ، ج ۱، ص ۶۳.

۳. خوبی، معجم رجال الحديث، ج ۲، ص ۳۰۹.

اخراج می کرد، احدی را توان اظهار مخالفت نبود<sup>۱</sup> و نیز او در مسائل شهری و حکومتی، در رأس تصمیم‌گیری بود.<sup>۲</sup>

### تألیفات

احمدبن محمد، دارای آثار متعدد و متنوع است. کتاب الخطب<sup>۳</sup> و کتاب فضائل العرب که به گفته کلینی، وی در این مورد گرفتار تعصب شده.<sup>۴</sup> کتب النواذر،<sup>۵</sup> التوحید، فضل النسی<sup>۶</sup>، المتعة، الناسخ والمنسوخ، الاظلمة، المسونخ، حج، الطب الكبير، الطب الصغير، المکاسب، الملائم ونواذر الحکمة فی التفسیر،<sup>۷</sup> از مهمترین آثار اوست. تنها کتابی که از وی باقی مانده، کتاب النواذر است که یک بار به صورت سنگی همراه با کتاب فقه الرضا، در قم به چاپ رسیده است.<sup>۸</sup>

در مورد تاریخ دقیق وفات احمدبن محمد قمی، اطلاع دقیقی در دست نیست. او در سال وفات برقی، یعنی سال ۲۸۰ق زنده بوده است.<sup>۹</sup> احتمال می‌رود که فوت او در دهه اخیر قرن سوم یا مقداری قبل از آن واقع شده باشد. در این صورت، عمر او به حدود ۹۰ سال خواهد رسید. از محل دفن او نیز اطلاع دقیقی در دست نیست. با این حال، چون قم محل اقتدار دینی و علمی او بود، احتمال می‌رود آرامگاه وی در همین شهر باشد.

۱. مامقانی، تنتیح المقال فی علم الرجال، ج ۱، ص ۹۲.

۲. قاضی نورالله شوستری، مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۴۳۰.

۳. نجاشی، رجال، ص ۳۲۸.

۴. کلینی، الکانی، ج ۱، ص ۳۲۴.

۵. عبدالحسین شبستری، النور الهادی إلی اصحاب الإمام الهادی علیه السلام، ص ۴۱.

۶. نجاشی، رجال، ص ۵۹؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱، ص ۳۳ - ۳۴، ح ۱۶؛ ابن شهرآشوب، معالم العلماء، ص ۱۴.

۷. احمدبن محمد اشعری قمی، النواذر، قم: مدرسة الإمام المهدي علیه السلام، ۱۲۶۶.

۸. نجاشی، رجال، ص ۷۷.

### • عبدالله بن جعفر حمیری قمی

وی، یکی از بزرگان و مرزداران مکتب شیعه است که در اوایل قرن سوم هجری قمری بین سال‌های ۲۲۰ تا ۲۴۰ ق به دنیا آمد. حمیری، نام محلی در غرب صنعاست.<sup>۱</sup> او به دلیل اینکه از قم برخاسته بود، لقب قمی گرفت.<sup>۲</sup>

عبدالله بن جعفر مورد وثوق علماء و رجالیون شیعه بوده است. شیخ طوسی درباره او می‌نویسد:

عبدالله بن جعفر حمیری قمی، مکنسی به ابوالعباس، و شخص ثقه و مورد اطمینانی است.<sup>۳</sup>

نجاشی نیز او را بزرگ علمای قم و شخصیت برجسته آنها می‌داند.<sup>۴</sup> عبدالله از یاران امام هادی و امام حسن عسکری علیهم السلام بوده<sup>۵</sup> و با آن دو امام همام، ارتباط نامه‌ای داشت و از امام هادی علیهم السلام با عنوان «الرجل» نام برده<sup>۶</sup> و نیز از امام حسن عسکری علیهم السلام با عنوان «ابی محمد» نام برده است.<sup>۷</sup>

حمیری، نقش مهمی در روایت مکتوبات حدیثی محدثان قم داشته است<sup>۸</sup> و نام وی، در سلسله اسناد روایی بسیاری از آثار محدثان شیعی کوفه و مناطق دیگر دیده می‌شود.<sup>۹</sup> او برخی مکاتبات فقهی - کلامی بین امامان شیعه و اصحاب را گرد آورده و آثاری با این

۱. فیروزآبادی، قاموس اللغة، ج ۲، ص ۱۴.

۲. نجاشی، رجال، ص ۱۵۲؛ طوسی، الفهرست، ص ۱۰۲.

۳. طوسی، الفهرست، ص ۱۰۲.

۴. نجاشی، رجال، ص ۱۵۲.

۵. طوسی، رجال، ص ۴۱۹ و ۴۲۲.

۶. الرجل، در اصطلاح محدثان شیعه، به امام هادی علیهم السلام اطلاق می‌شود.

۷. اردبیلی، جامع الرواۃ، ج ۱، ص ۴۷۹.

۸. طوسی، رجال، ص ۴۲۴.

۹. نجاشی، رجال، ص ۳۸، ۵۹، ۱۶۸ و ۳۰۲.

موضوع تألیف کرده است؛ به عنوان نمونه، در کتاب مسائل الرجال و مکاتباتهم ابوالحسن الشاکل ع، نامه‌نگاری‌هایی بین برخی اصحاب امام هادی ع با ایشان را که غالباً مشتمل بر مسائل فقهی است، جمع آورده است.<sup>۱</sup>

### تألیفات

از عبدالله حدود پانزده تا بیست و شش کتاب در منابع رجالی نام برده‌اند؛<sup>۲</sup> از جمله: کتاب الدلائل، کتاب الطلب، کتاب التوحید، کتاب الغيبة و قرب الإسناد<sup>۳</sup> است. البته همه این آثار از بین رفته و تنها کتاب قرب الإسناد<sup>۴</sup> از او به جای مانده که یکی از منابع و مأخذ کتب اربعه شیعه را تشکیل می‌دهد. این کتاب، در زمان حیات آیت‌الله بروجردی با اشراف و مقدمه ایشان چاپ شد.

عبدالله، آثاری نیز در موضوع امامت تألیف کرده است. وی، کتاب مهمی با نام الدلائل داشته است که تا قرن هفتم موجود بوده و بهاءالدین اربلی (م ۶۹۳ق)<sup>۵</sup> بخش‌هایی از آن را نقل کرده است.<sup>۶</sup> اثر دیگر او، کتاب الغيبة است که نجاشی از آن با نام الغيبة والحبیره یاد نموده است.<sup>۷</sup>

۱. همان، ص ۲۲۰.

۲. طوسی، الفهرست، ص ۱۰۲؛ نجاشی، رجال، ص ۱۵۲.

۳. تهرانی، شیخ آقابرگ، الدریعة إلى تصانیف الشیعه، ج ۱، ص ۱۵۳؛ همان، ج ۱۷، ص ۶۸؛ خوبی، معجم رجال الحديث، ج ۱۰، ص ۱۴۱.

۴. قرب الإسناد، به آثاری اطلاق می‌شود که در آن، محدث، احادیث را با کوتاهترین طریق تا معصوم روایت کند.

۵. ابوالحسن علی بن عیسی، مشهور به بهاءالدین اربلی، محدث، مورخ شیعی قرن هفتم و نویسنده کتاب کشف الغمة فی معرفة الائمه است.

۶. بهاءالدین اربلی، کشف الغمة فی معرفة الائمه، ج ۳، ص ۶۶، ۱۲۰، ۲۱۰ و ۴۰۴.

۷. نجاشی، رجال، ص ۲۱۹.

زمان رحلت عبدالله، نامعلوم است؛ احتمالاً زمان وفات ایشان، اوآخر قرن سوم هجری بین سال‌های ۳۰۰ تا ۳۰۵ ق بوده باشد. محل دفن او نیز مشخص نیست.

#### • حسن بن خرزاذ قمی (محدود سال ۲۵۴ ق)

او به تناسب اینکه زادگاهش قم بوده، به «قمی» اشتهراداشت.<sup>۱</sup> تولد او حدود نیمه اول سده سوم هجری است. وی، یکی از راویانی است که بسیار روایت نقل کرده و «کثیر الروایة» لقب گرفته است.<sup>۲</sup> شیخ طوسی او را به عنوان یکی از راویان شیعی دانسته است<sup>۳</sup> و مؤلف کتاب *الجامع فی الرجال*، وی را یکی از محدثان بزرگ شیعی دانسته که اخبارش در نهایت خوبی و درستی است.<sup>۴</sup>

خرزاد، مدت مديدة از زندگی خود را در شهر قم سپری کرده است. او برای دیدار با امام هادی علیه السلام از قم به سامرا سفر نمود و خود را به محضر امام هادی علیه السلام رسانید و از محضر ایشان بهره‌مند شد و پس از مدتی اقامت در عراق، راهی دیار خود، قم شد. بعد از بازگشت به قم، سفرهایی را انجام داد. این بار به سوی مأواه النهر، قلمرو شرق آسیا هجرت نمود و از محدثان نام‌آور شیعی، همچون: عیاشی سمرقدی (م ۳۲۰ ق)، کشی و حسین بن اشکیب (م اوآخر قرن سوم هجری) که در شهرهای سمرقد، مرو و کش<sup>۵</sup> زندگی می‌کردند، بهره برد. حسن بن خرزاذ، به مأواه النهر رفت و در شهر تاریخی کش اقامت گزید. او به قدری در آن سرزمین توقف کرد که به عنوان محدثی که اهل شهر کش است، از او نام می‌برند.<sup>۶</sup>

۱. همان، ص ۳۳؛ طوسی، رجال، ص ۴۱۳ – ۴۶۳.

۲. نجاشی، رجال، ص ۲۳.

۳. طوسی، رجال، ص ۴۱۳ و ۴۶۳.

۴. محمد تقی شوستری، *قاموس الرجال*، ج ۳، ص ۲۲۹.

۵. امروزه، منطقه کش در تقسیمات جغرافیایی کشور ازبکستان قرار دارد و به نام شهر سبز خوانده می‌شود.

۶. موحد ابطحی، *تهذیب المقال فی تتفییح کتاب الرجال*، ج ۱، ص ۲۷۶.

شیخ طوسی، حسن را از یاران امام هادی ع به شمار آورده؛<sup>۱</sup> هرچند متأسفانه روایتی که بدون واسطه از این امام بزرگوار نقل کرده باشد، به دست نیامده است.

### تألیفات

حسن بن خُرَّازد، دارای تألیفات و آثار فراوانی بوده است که در رهگذر زمان، از میان رفته است. نجاشی دو کتاب اسماء رسول الله علیه السلام و المتعة را از او می‌داند.<sup>۲</sup>

از دیگر صحابی امام هادی ع می‌توان از ریان بن صلت اشعری و خراسانی بغدادی،<sup>۳</sup> عباس بن معروف قمی مولی جعفر بن عمران بن عبدالله اشعری،<sup>۴</sup> محمد بن الریان بن الصلت الاشعری ثقة<sup>۵</sup> و احمد بن ابی عبد الله برقی (م ۲۷۴ یا ۲۸۰ق) نام برد که آنان از صحابی امام جواد ع یا امام عسکری ع نیز بودند. احمد بن ابی عبد الله محمد بن خالد برقی، از اصحاب امام جواد و امام هادی ع و از بزرگان علماء، محدث، ثقة، فقيه و فاضل بود که در بسیاری علوم تبحر داشت. تألیفات او را حدود صد کتاب شمرده‌اند که مهم‌ترین آنها: التهذیب، التاریخ، التراجم و التعاطف، البیان، العلل، المحاسن و المعاشرة می‌باشد.<sup>۶</sup> کتاب المحاسن او در آن روزگار، کتابی جامع علوم (دانشنامه) بوده است. در حال حاضر، یازده بخش از این کتاب به دست آمده است.<sup>۷</sup>

۱. طوسی، رجال، ص ۴۱۳ و ۴۶۳.

۲. نجاشی، رجال، ص ۵۵.

۳. طوسی، رجال، ص ۳۸۶.

۴. همان، ص ۳۸۹.

۵. همان، ص ۳۹۱.

۶. نجاشی، رجال، ص ۵۶.

۷. عبدالحسین شبستری، النور الہادی الی اصحاب الامام الہادی ع، ص ۴۳ - ۴۴.

۸. ر.ک: برقی، المحاسن، تحقیق و تصحیح: سید مهدی رجایی، قم، مجمع جهانی اهل بیت، ۱۴۱۳ق.

## نتیجه

دوران امامت امام هادی ع به علت مصادف شدن با حاکمیت ترکان در بغداد و سختگیری خلفای عباسی در خصوص شیعیان، دوره بسیار شکننده و غیرقابل تحملی بود. به همین علت، محل زندگی امام هادی ع نمی‌توانست مکانی برای رشد اندیشه‌های شیعه و توسعه تشیع باشد. امام هادی ع برای مقابله با اقدامات عباسیان، از روش ارشاد و تبلیغ استفاده کرد و به جای کشاندن شیعیان به سامرا و قراردادن آنان در تیرس عباسیان، اندیشه ناب خود را از طریق یاران و شاگردان خویش در مناطق مختلف رواج داد و برخی از شهرها از جمله قم، در این زمینه نقش سازنده‌ای را ایفا کرد و رسالت سامرا را به دوش کشید. با افول مدرسه حدیثی و کلامی کوفه، مدرسه قم در این دوره، یکی از ادوار رشد کلامی، حدیثی و فقهی خود را پشت سر می‌گذارد. با بررسی و موشکافی در فهرست میراث مکتوب و همچنین احادیث اصحاب قمی، در این دوره با روشنی زیادی مشخص می‌شود که شهر قم در این دوره، در حال دریافت میراث مکتوب و احادیث کوفه است. اصحاب قمی امام هادی ع با تربیت شاگردان و رساندن پیام و روایات امام به مناطق شیعه‌نشین و نیز مسافرت به جهان اسلام، در نشر معارف دین نقش داشتند. آنان علوم و معارف را از امام می‌گرفتند و در اختیار شیعیان و دوستداران علم قرار می‌دادند.

## منابع

۱. ابن‌الغضائیری، احمدبن‌الحسین بن عبیدالله، کتاب *الضعفاء* (رجال)، تحقیق سید محمد رضا حسینی جلالی، قم: دارالحدیث، ۱۴۲۲ق.
۲. ابن‌بابویه (شیخ صدوق)، *التوحید*، به کوشش هاشم حسینی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۳. ——، کتاب من لا يحضره الفقيه، به کوشش حسن موسوی خرسان، تهران: ۱۴۱۰ق.
۴. ابن‌حجر عسقلانی، احمد، *لسان المیزان*، بیروت: مؤسسه الأعلمی للطبعات، ۱۳۹۰ق.
۵. ابن‌داود، حسن بن‌علی، رجال ابن‌داود، تهران: انتشارات دانشگاه تهران: ۱۳۴۲ق.
۶. ابن‌شهر آشوب، محمد، *معالم العلماء*، به کوشش محمدصادق بحرالعلوم، نجف: ۱۳۸۰ق / ۱۹۶۱م.
۷. ابن‌طباطبا، منتقلة الطالبیة، تصحیح محمدمهدی خرسان، نجف: المطبعة الحیدریة، ۱۹۶۸م.
۸. ابن‌نديم، ابوالفرج محمدبن‌اسحاق، *الفهرست*، تحقیق رضا تجدد، بی‌جا: محقق، ۱۳۵۰ق.
۹. ارباب، محمدتقی ییک، *تاریخ دارالایمان* قم، به کوشش حسین مدرسی طباطبایی، قم: چاپخانه حکمت، ۱۳۵۳ق.
۱۰. اربیلی، بهاءالدین، *کشف الغمة فی معرفة الائمة*، قم: چاپ علی فاضلی، ۱۴۲۶ق.
۱۱. اردبیلی، محمدبن‌علی‌الحائری، *جامع الرواة*، تهران: مطبعة شرکت چاپ رنگین، ۱۳۳۱ش.
۱۲. اشعری قمی، احمدبن‌محمد، *النوادر*، قم: مدرسة الإمام المهdi علیه السلام، ۱۳۶۶ش.
۱۳. بحرالعلوم، محمدمهدی بن‌مرتضی، رجال *السید بحرالعلوم* (*الفوائد الرجالیة*)، تهران: مکتبة الصادق علیه السلام، ۱۳۶۳ش.
۱۴. برقی، احمد، *الرجال*، همراه رجال ابن‌داود حلی، به کوشش جلال‌الدین محدث ارمومی، تهران: ۱۳۴۲ش.
۱۵. ——، *المحاسن*، تحقیق و تصحیح سید مهدی رجایی، قم: مجمع جهانی اهل‌بیت علیهم السلام، ۱۴۱۳ق.

۱۶. بروجردی، حسین بن رضا، بهجه الآمال فی شرح زبدة المقال، شرح علی بن عبدالله علیاری تبریزی، تهران: بنیاد فرهنگ اسلامی کوشان پور، ۱۳۷۱ ش / ۱۴۱۲ ق.
۱۷. بهبودی، محمد باقر، «علم رجال و مسئله توثیق»، کیهان فرهنگی، سال هشتم، ش ۸.
۱۸. تهرانی، شیخ آقابزرگ، الدریعة إلی تصانیف الشیعه، بیروت: در الأضواء، ۱۴۰۳ ق.
۱۹. حاجی تقی، محمد، «سیر تاریخ فقهاء و محدثان قمی (۲)»، نامه قم، ش ۳ و ۴.
۲۰. ——، «شجره علمی خاندان اشعری قم»، علوم حدیث، ش ۵.
۲۱. حلی، حسن، خلاصه الأقوال فی معرفة الرجال، تحقیق: جواد قیومی، قم: مؤسسه نشر الفقاہة، ۱۴۱۷ق و نجف: ۱۳۸۱ق / ۱۹۶۱م.
۲۲. حمیری، عبدالله، قرب الإسناد، قم: بی نا، ۱۴۱۳ق.
۲۳. خالقی، محمد هادی، «نخستین حوزه غنی و مستقل شیعه»، روزنامه اطلاعات، ۱۳۷۱/۱۱/۲۴.
۲۴. خوانساری، سید محمد باقر، روضات الجنات، قم: اسماعیلیان، بی تا.
۲۵. خوبی، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، بیروت: ۱۴۰۳ق.
۲۶. الشیستری، عبدالحسین، النور الهمادی إلی أصحاب الإمام الهمادی، قم: المکتبة التاریخیة المختصة، ۱۴۲۱ق.
۲۷. شریف قرشی، باقر، تحلیلی از زندگانی امام هادی(ع)، ترجمه محمدرضا عطایی، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۱ش.
۲۸. شوشتیری، قاضی نورالله، مجالس المؤمنین، تهران: اسلامیه، ۱۳۷۷ش.
۲۹. شوشتیری، محمد تقی، قاموس الرجال، قم: مؤسسه نشر اسلامی، دوم، ۱۴۱۰ق.
۳۰. طوosi، محمد، الإستبصار، تهران: چاپ حسن موسوی خرسان، ۱۳۹۰ق.
۳۱. ——، الأمالی، قم: بی نا، ۱۴۱۴ق.
۳۲. ——، تهدیب الأحكام، تهران: چاپ حسن موسوی خرسان، ۱۳۹۰ق.

۳۳. — ، رجال الطوسي، قم: چاپ جواد قيومی اصفهاني، ۱۴۱۵ق و به کوشش محمدصادق بحرالعلوم، نجف: ۱۳۸۰ق / ۱۹۶۱م.
۳۴. — ، فهرست کتب الشیعه وأصولهم وأسماء المصنفين وأصحاب الأصول (الفهرست)، قم: چاپ عبدالعزیز طباطبائی، ۱۴۲۰ق.
۳۵. — ، کتاب الغيبة، قم: چاپ عبدالله طهرانی و علی احمد ناصح، ۱۴۱۱ق.
۳۶. عطاردی، عزیز الله، مسند الإمام الهاudi علیه السلام، المؤتمر العالمي للإمام الرضا علیه السلام، قم: ۱۴۱۰ق.
۳۷. فیروزآبادی، مجdal الدین محمد، قاموس اللغة، تهران: دار الطباعه حاج ابراهیم تبریزی، ۱۳۰۴ش.
۳۸. فیض، عباس، گنجینه آثار قم، قم: چاپخانه مهر، ۱۳۵۰.
۳۹. قمی، حسن بن محمد، تاریخ قم، ترجمه حسن بن علی بن حسن بن عبدالمملک قمی، به کوشش جلال الدین طهرانی، تهران: توس، ۱۳۶۱ش.
۴۰. کشی، محمدبن عمر، اختیار معرفة الرجال، به کوشش حسن مصطفوی، مشهد: دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸ش و قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۴ق.
۴۱. کلینی، محمد، الکافی، به کوشش علی اکبر غفاری، تهران: ۱۳۸۸ق.
۴۲. اللجنة العلمية في مؤسسة ولی العصر، موسوعة الإمام الهاudi، قم: مؤسسه ولی عصر علیه السلام، ۱۴۲۴ق.
۴۳. مامقانی، عبدالله، تتفییح المقال فی علم الرجال، چاپ سنگی در سه مجلد، به خط احمد زنجانی، تاریخ کتابت: ۱۳۴۸ق.
۴۴. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت: ۱۴۰۳ق / ۱۹۸۳م.
۴۵. معارف، مجید، پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه، تهران: مؤسسه فرهنگی و هنری ضریح، ۱۳۷۴ش.

۴۶. موحد ابطحی، سید محمدعلی، تهذیب المقال فی تتفییح کتاب الرجال، قم: ناشر: فرزند مؤلف، ۱۴۱۲ق.

۴۷. مهاجر، شیخ جعفر، رجال الأشعرین من المحدثین وأصحاب الائمه، قم: مرکز العلوم والثقافة الإسلامية، ۱۴۲۹ق.

۴۸. مؤیدی، مجdal الدین، لوامع الأنوار، نسخه عکسی موجود در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.

۴۹. نجاشی، ابوالعباس احمد بن علی، رجال النجاشی، به کوشش موسی شیری زنجانی، قم: مؤسسه نشر اسلامی جامعه مدرسین ۱۴۰۷ق / ۱۳۶۵ش.

۵۰. نیومن، آندروجی، دوره شکل‌گیری تشییع دوازده امامی؛ گفتمان حدیثی میان قم و بغداد، قم: شیعه‌شناسی، اوّل، ۱۳۸۶ش.